

آیا علم انسانی اسلامی، معنا دارد؟

۴ از آنجا که در نظریه معرفت شناسی رجاء سخن از تولید علوم انسانی اسلامی رفته است و البته جوانب مسئله در کتاب هنوز منتشر نشده ی “فلسفه علم برای تولید علم”، کاویده شده و به ذهن اندازی های محتمل و موجود پاسخ داده شده است اما بسیار مناسب است در اینجا به چند نکته اشاره کنم.

علم، حقیقتی یکپارچه دارد. نظریه معرفتشناختی رجاء از جمله نظریاتی است که قائل به یکپارچگی علم است (به تقریری که در کتاب آمده است) علم، هنجار یکپارچه و تحقیقی رو به یکپارچگی دارد... پس علم دین و سایر علوم، گزارشی از یک واقعیت هستند.

علم اسلامی، علمی است که با منبع، روش و غایت دینی تعامل علم ساختی دارد. از این مسئله، استفاده نمیشود که همه ی علوم ضرورتاً این گونه باشند. مثلاً “ریاضیات، فیزیک، متالوژی، مکانیک و... از جمله علوم هستند که تعاملی با معرفت دین ندارند و عمدتاً در سپهر معرفت در تعامل با علوم همخانواده خود هستند. اینکه چه علمی با هم تعامل معرفت شناختی برقرار می کند را خود جریان منطقی علم مشخص می کند.

علوم انسانی، ساختار نسبتاً مشابهی دارند و چنانکه در کتاب تقریر شده است علوم بصورت فراکتالی و خودهمانند رشد می کنند. تعامل علم ساختی فرآمدهای معرفت دین، با علوم دیگر در سپهر معرفت یکسان نیست. مثلاً بخش ریاضیاتی علوم انسانی، با مفاهیم دینی تعامل چندانی ندارد، ولی حوزه های نرم (soft) علم یا مکتب و غایت و مفاهیم علمی هر علم انسانی با معرفت دین کثیرالتعامل است.

پس علی القاعده، ریاضیات یا فیزیک و شیمی اسلامی نداریم، اما جامعه شناسی اسلامی داریم؛ چرا که انسان شناسی اسلامی داریم.

نظریه رجاء بر ضرورت حیاتی گفتگوی عالمان علوم در سپهر معرفت تاکید دارد. ورود عالمان دین در سپهر معرفت و مباحثات علمی، به معنای اصرار بر دیالوگ با تمام سپهر معرفت و افاده به همه علوم نیست. بلکه به این معنا است که علم دین، اساساً به جهت موضوع و غایت با بسیاری از علوم تعامل علم ساختی دارد و باید داشته باشد، در پرتو این تعامل، اگر چه معرفت دین، کمتر متحول میشود، اما علم دینی (علم انسانی اسلامی) زاده و متحول می شود. مثلاً “علم اخلاق اسلامی اگرچه شامل گزاره های ثابتی است؛ اما ابواب و مسائل آن در پرتو علوم دیگر؛ زیاد میشود و مثلاً باید با عصب شناسی و ژن شناسی رفتار اخلاقی در دیالوگ و نسبت به آن مسئول باشد، تا علمی با کفایت بماند. این با کفایتی، حتماً کفایت ایدولوژیک و کلامی نیست بلکه عمدتاً کفایت در توصیف و هنجارسازی است.

کسانی که به مسئله علم انسانی روی خوش نشان نمی دهند، گاه اصل مسئله را متوجه نشده اند و گاه نگرانی های درستی را در این مسئله مطرح کرده اند. در هر حال اسلامیت علم انسانی خواسته ناخواسته در جامعه مومنان شکل می گیرد. اما باید نگران بود که جنبه ایدئولوژیک و تعصبات نادرست دینی و نیز کژکارکردهای باورمندی، در فرآیند آن تاثیر نکند.

فایده تولید علم انسانی اسلامی، همان فایده علم دین است. علم دین در عصر جدید باید در قالب علم انسانی اسلامی نمود یابد. تمدن اسلامی و توسعه سیاسی جامعه و آنگاه توسعه کل جامعه، بدون آن میسر نیست. در مقام تحقق البته باید توسعه سیاسی باشد تا علم رخ بدهد، اما علم انسانی، در جامعه مومنان حتما و به مرور اسلامی میشود.

حمید رجایی